

درس هنر، دیگرگون



گوهری درونی است و با صیقل دادن به آشکار شدن می‌گراید؟ در داشتن جان‌مایه هنری تردیدی نیست؛ اما برای رسیدن به آن نیز نباید از پای نشست. زدودن غبار غفلت و عادت از محیط، گام نخست است. نظامی می‌گوید:

«هرچه خلاف‌آمد عادت بود

قافله‌سالار سعادت بود»

در واقع این ویژگی کار آموزش هنر و به دست آوردن نگاهی متفاوت در فضای کلاس و درس هنر بیش از آن که عینی و ملموس باشد، جنبه‌ای انتزاعی و درونی دارد. معلم هنر در این فرایند، تسهیل‌گری است که ذهن و ضمیر دانش‌آموزان خود را به این نگاه متفاوت ترغیب می‌کند.

در چنین فرایند آموزشی مبانی برنامه‌ریزی درسی برای پرورش نگاه متفاوت، به مدد معلم می‌آید از این راه به بارور

در مباحث پژوهش هنر، هنر تعریفی ساده، اما عمیق دارد: «نگاه متفاوت». این مفهوم ویژه در هنر، وقتی خود را بهتر نشان می‌دهد که آن را در برابر نگاه عادت‌زده و روزمره به هنر دریابیم.

در محیطی یکسان نگاه تازه و پرتراوت هنرمند است که منشأ خلق اثر هنری است؛ بر این اساس نقطه عزیمت هنر توانایی دیگرگونه دیدن پدیده‌ها و اشیا و آدمی و عواطف اوست؛ توانایی کشف.

راز‌گشایی مَهرها و تیزی‌بینی در درک نکته‌ها در گستره هنر نتیجه چنین نگاهی است. پاسخ هنرمند نیز به رخدادهای پیرامونی خود با دیگران متفاوت است؛ زیرا او از جان‌مایه آفرینش بهره‌مند است که نمود اصلی آن همین نگاه متفاوت است.

آیا این ویژگی اکتسابی است و با آموزش به دست می‌آید یا





ه دیدن

برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند.» هم اوست که می‌کوشد، «موانع یادگیری را از سر راه یادگیرندگان بردارد و آن‌ها را به دانش‌آموزان معرفی کند.» تا از این طریق آن احساس ناگهانی از نهانخانه ضمیر او بروز یابد و اثر هنری او را قاب گیرد. با این مقدمه، اینک که مجله رشد هنر شماره ۲۶ انتشار می‌یابد، با دلی سرشار از سپاس به همکاران و همیاران فرهنگی و هنری و معلمان فرهیخته، در انتظاریم تا شما با پیشنهادات و انتقادات خود ما را یار و یاور باشید و در تلاش راهی که با هدف تحکیم ذوق هنری و معنوی خانواده تعلیم و تربیت و پویایی آموزش هنر برای رسیدن به دانسته‌های هنری تازه، قدم نهاده‌ایم، از همکاری دریغ نورزید. با عنایت صمیمانه شما به ساحل مقصود می‌توان رسید و آوای محبتی که از نای شما برمی‌آید، سرمایه‌ای است که نقش امید و شور و شوق را در دل ما زنده می‌دارد.

سردبیر

شدن احساس هنری مبهم و سپس تبدیل آن به یک احساس روشن کمک می‌کند تا دانش‌آموز از این دریچه، نقش‌ها را بسازد، رنگ‌ها را بیامیزد، اجزای کاردستی را به هم پیوند زند، به گل شکل بخشد؛ دنیای کوچک روح خود را گسترده‌تر کند و آینه‌دار اندیشه‌های دیگرانی باشد که احساس دیرآشنای خود را به شکل عینی در این نگاه متفاوت می‌نگرند. همان نگاه نو می‌تواند عرصه تخیل خلاق را تا ماورای افق ببرد و اندیشه سیم‌رگ‌گونه هنرمند را بر نقطه قاف بنشانند. برای پاسخ به این که پرورش ذوق هنری کودکان و نوجوانان کشور در کلاس‌های محدود هنر چگونه بر رویکرد «نگاه متفاوت» استوار شود، می‌توان در آینه راهبردهای یاددهی - یادگیری برنامه درسی نگریست؛ «معلم و مربی، برنامه‌ریز درسی و تربیتی است» و «فرصت‌های مناسب یادگیری را

